

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

تدارک برای بلعیدن رسانه ملی

حسن روحانی به تازگی در اظهارنظری گفته است که صداوسیما نباید در دست یک گروه اقلیت باشد تا آن‌ها برای سرگرمی مردم تصمیم بگیرند (نقل به مضمون). ما با اینکه او یک دولت در سایه درست کرده و منویاتش از طریق رسانه‌های چپ و راست وفاق در گوش و چشم مخاطب فرو می‌رود کاری نداریم. از تلاش‌های بی‌پایان رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در مورد از اسب و اصل انداختن رسانه ملی در تمام این سال‌ها هم عبور می‌کنیم، اما اجازه دهید خطاب به روحانی و اذناش بگوییم که او و هم‌فکرانش آخرین کسانی هستند که می‌توانند در مورد چند و چون و کمیت و کیفیت تولیدات و شیوه پخش محتوای ریزو درشت صداوسیما انتقاد کنند.

۸



در حسرت نفت ۱۰۰ دلاری

در شرایطی که آمریکا محاصره دریایی، حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی رایجی پس از دیگری اجرامی کند، ایران مهمترین ابزار خود برای فشار به ترامپ را با تفاهم‌نامه از دست داده است

۲ <



زاکانی با انتقاد از تفاهم‌نامه ایران و آمریکا؛

سایه جنگ
با جنگ دور می‌شود

۳

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین؛

رهبری دو بار از قالیباف در
خصوص چین پیگیری کردند

۷



راه حل جریان «ما می‌توانیم»
برای مقابله با آمریکا چیست؟

سیدمرتضی موسوی نژاد
فعال سیاسی

صفحه ۱۱

فرهنگی

صفحه ۵

اقتصادی

کودکان جنگ کجای کتاب‌های کودک‌اند؟

حالا که آمریکا و اسرائیل مستقیماً ایران را هدف قرار داده‌اند و کودکان ایرانی نیز بخشی از قربانیان این جنگ بوده‌اند، یک سؤال ساده از فعالان ادبیات کودک وجود دارد؛ چرا سهم این جنگ در تولیدات ادبی و داستانی ما تا این اندازه محدود است؟

جنگ هم نبود، تورم و ارز بالا می‌رفت

مقصرنمایی از جنگ در وضعیت نابسامان اقتصادی، به الگوی ثابت دولت و رسانه‌های وابسته بدل شده است؛ حال آنکه مرور آمارهای رسمی نشان می‌دهد ریشه اصلی تورم افسارگسیخته و جهش تاریخی نرخ ارز، به ماه‌ها پیش از آغاز هرگونه درگیری نظامی بازمی‌گردد.

فیلمی از سریع القلم منتشر شده است که اعتراف کرده است، آمریکایی‌ها بعد از انتخابات کنگره به سراغ عملیات گسترده نظامی علیه ایران می‌آیند. همچنین مشاور رئیس مجلس، طرفداران مقاومت جلوی دشمن را اصحاب ناراه حل خطاب کرده است. باید از این فرصت اجماع تحلیلی برای بررسی راه حل‌های دو طرف موضوع استفاده کرد. راه حل اول از آن جریان ما می‌توانیم است.

متن کامل در صفحه ۳

در شرایطی که آمریکا پروژه‌های متعدد محاصره دریایی، حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی را یکی پس از دیگری اجرا می‌کند، ایران مهمترین ابزار خود برای فشار به ترامپ را با تفاهمنامه از دست داده‌است

در حسرت نفت ۱۰۰ دلاری

روانی ۲۲۷ هزار تومان، نشان می‌دهد این تفاهم‌نامه مهم‌ترین اهرم راهبردی تهران را منفعل و معادله را وارونه کرده است و جایی که باید قیمت انرژی نقطه ضعف واشنگتن می‌بود، حالا قیمت دلار به پاشنه آشیل اقتصاد کشورمان تبدیل شده است.

آمریکا در حالی حملات و جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه ایران را تشدید کرده که هیچ بازدارندگی واقعی در برابر خود نمی‌بیند؛ مروری بر مواضع ترامپ پیش و پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، همراه با ثبات نسبی قیمت نفت زیر ۱۰۰ دلار و عبور دلار از سقف



در میان مقامات آمریکایی شدت گرفته و با افزایش انتقادات به ترامپ، او در جلسه‌ای با شانه خالی کردن از جنگی که آغاز کرده بود خطاب به هگرتز گفته بود: «تو گفتی بیا انجامش بدهیم» و برای فرار کردن از شدت انتقادات هگرتز را مقصر شروع جنگ با ایران خطاب قرار داد.

تفاهم‌نامه ناجی ترامپ و بالای جان اهرم فشار ایران

پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، مهم‌ترین ابزار فشار ایران خنثی شد و این در حالی است که حملات ارتش تروریستی آمریکا ادامه دارد و همزمان قیمت نفت زیر محدوده ۱۰۰ دلار قرار دارد. به عبارت دیگر تا قبل از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد انسداد تنگه هرمز ابزاری برای بازدارندگی و تحت فشار قرار دادن آمریکا محسوب میشد اما در شرایط کنونی دشمن آمریکایی روزانه با ارائه شگفتانه‌های تحریمی، ادامه حملات به اهداف نظامی و غیرنظامی و بالا بردن آمار شهدا، به رجزخوانی و تهدید روی آورده، بی آنکه تغییری محسوس در قیمت نفت ایجاد و پاسخی درخور دریافت کند. ترامپ هفته گذشته بدون هیچگونه فشاری مدعی باز بودن تنگه هرمز شد و اعلام کرد «آن لغتنی باز است. پاسخ ایران بسیار ملایم است. آنها نمی‌خواهند ما دوباره به آنها حمله کنیم. تمام ما چرا همین است. بقیه مسائل اهمیتی ندارد.» قابل ذکر است که تا قبل از امضای تفاهم‌نامه و نفت ۱۲۰ دلاری هنوز جبهه یمن گشوده نشده بود و قیمت نفت در حال حاضر در حالی زیر ۱۰۰ دلار است که همزمان جبهه یمن در باب المندب گشوده است.

ایران و تحت فشار بودن رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا بود. ترامپ قبل از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بارها با عجز به پرخاش گویی والتماس از بازگشایی تنگه هرمز در آمده بود. وی در اسفندماه نوشته بود: «اگر ایران کاری انجام دهد که جریان نفت در تنگه هرمز را متوقف کند، بیست برابرش دیترازا آنچه تاکنون مورد اصابت قرار گرفته است، مورد اصابت قرار خواهد گرفت.» ترامپ در ۱۵ فروردین در پیامی در تروث سوشال از روی عجز و ناتوانی نوشته بود: «کسی هست که نفت را حفظ کند؟» او همچنین در ۱۶ فروردین ماه با توهین و خطاب قرار دادن مردم کشورمان به «دیوانه‌های حرامزاده» التماس کرد که «تنگه لعنتی را باز کنید.» یا ترامپ در ۳۱ مارس (۱۱ فروردین) با ناامیدی از بازگشایی تنگه هرمز خطاب به فرانسه نوشته بود: «فرانسه در برابر ایران به من کمک نکرد. ناامید هستم. آنها تاوان آن را خواهند داد.» و در واکنش به همین درخواست ترامپ از متحدان خود برای مشارکت در باز کردن تنگه‌ی هرمز، ارتش آمریکا مضحکه‌ی کار-برسان شده بود.

درماندگی ترامپ از حمله به ایران تا حدی رسیده بود که وال استریت ژورنال در گزارشی در ۳۱ مارس اعلام کرده بود: «ترامپ به دستیارانش گفته است که حاضر است جنگ فعلی علیه ایران را پایان دهد، حتی اگر تنگه هرمز تا حد زیادی بسته بماند/ کاخ سفید معتقد است بازگشایی اجباری تنگه هرمز مستلزم یک کارزار نظامی بسیار طولانی‌تر و پرخطرتر از آن چیزی است که ترامپ می‌خواهد» شرایط روانی آمریکا قبل از تفاهم‌نامه حتی به جایی رسیده بود که سطح اختلافات

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم در اسفندماه، با اقدام قاطع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در انسداد تنگه هرمز و پاسخ‌های کوبنده به مبدأ حملات ارتش تروریستی آمریکا، بحران انرژی و موج گرانی‌های فزاینده ناشی از آن، چالش‌های بحران‌آفرینی را برای اقتصاد جهان و آمریکا رقم زد. این وضعیت در آستانه جام جهانی و با ملت‌ب شدن فضای بین‌المللی، فشار روانی-اقتصادی مضاعفی را بر ترامپ وارد ساخت بطوری که مروری بر مواضع ترامپ قبل از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد حاکی از ناتوانی و استیصال روانی رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا است. این درحالی است که با پذیرش آتش بس و امضای تفاهم‌نامه موهومی و فریب‌برانگیز آمریکا، اوضاع به گونه‌ای دیگر رقم خورد بطوری که ارتش آمریکا با استفاده از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و خریدن زمان و همزمان با حفظ فشار محاصره اقتصادی ضربات متعددی به مهم‌ترین اهرم راهبردی کشورمان یعنی تنگه هرمز وارد آورد و همچنین توانست بزرگ‌ترین نقطه ضعف خود یعنی کنترل انرژی و قیمت نفت را که ابزاری موثر در قبال حملات ارتش آمریکایی به زیرساخت‌های کشورمان بود را کنترل کند.

استیصال ترامپ و دست برتر ایران پیش از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد

مروری بر مواضع ترامپ در قبل از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد حاکی دست برتر داشتن

خبر کوتاه

اژه‌ای به بریکس: تجاوز به ایران را محکوم کنید

رئیس قوه قضاییه در جمع سران قضایی کشورهای عضو بریکس: اعضای بریکس، نخست، نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ایران را طبق موازین بین‌المللی، بخصوص منشور ملل متحد، محکوم کنند و تدابیر لازم را برای جلوگیری از اقدامات غیرقانونی متجاوزین به عمل آورند. وی افزود: با اعمال اصل صلاحیت جهانی، مرتکبان جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در جریان دو جنگ تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران را تحت تعقیب قرار دهند.

نبویان: پشت پرده دوقطبی‌سازی های جعلی تسلیم ایران است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در واکنش به اظهارات ضد ملی اخیر حسن روحانی در حساب کاربری خود نوشت: ما آغازگر جنگ نبودیم، بلکه جنگ در وسط گفتگو بر ما تحمیل شد و ما در حال دفاع از خاک و ناموس خود هستیم که فهمش برای هرفرد باشرفی آسان است. عافیت طلبان ترسوایی که به دنبال دوقطبی سازی جعلی جنگ و صلح در کشور هستند، در حقیقت هدفشان تسلیم ایران بزرگ و مقتدر در برابر اربابان‌شان است.

تکذیب حمله به تاسیسات هسته‌ای اصفهان

سپاه صاحب‌الزمان (عج) استان اصفهان در بیانیه‌ای هرگونه حمله به مراکز و تاسیسات هسته‌ای این استان را تکذیب کرد. در این بیانیه آمده است: در پی انتشار برخی اخبار و مطالب کذب در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مبنی بر حمله دشمن آمریکایی-صهیونیستی به مراکز و تاسیسات هسته‌ای استان اصفهان، به اطلاع مردم شریف و بصیر استان می‌رساند که این خبر از اساس کذب بوده و هیچ‌گونه حمله‌ای از سوی رژیم صهیونیستی یا آمریکا به تاسیسات هسته‌ای اصفهان در این خبر ادعایی صورت نگرفته است. در قسمت دیگر این بیانیه آمده است: انتشار چنین مطالبی در شرایط حساس کنونی، نمونه‌ای از تلاش جریان‌های معاند برای ایجاد التهاب، تشویش افکار عمومی و برهم زدن آرامش روانی مردم است؛ موضوعی که با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و بازنشر اخبار فاقد منبع معتبر دنبال می‌شود.

طحان نظیف: میان اظهار نظر سیاسی و اقدام سازمان یافته تفاوت قائلیم

سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: نظارت انتخابات شورای شهر و روستا با شورای نگهبان نیست، تنها در چند حوزه انتخابیه که انتخابات میان‌دوره‌ای برگزار می‌شود (پنج حوزه مجلس شورای اسلامی و چهار حوزه مجلس خبرگان) مسئولیت داریم. فضای اظهار نظر در کشور کاملاً آزاد و باز است، شورای نگهبان نیز نگاهی به اختلافات و دسته‌بندی‌های جناحی ندارد اما اگر کسانی در شرایط فعلی کشور که لازمه آن انسجام و وحدت ملی است، در جهت منافع کشور حرکت کنند و با قاتلان کودکان مظلوم میناب هم‌صدا شوند و دشمن را در تهاجم تشویق و توجیه کنند، موضوع متفاوت خواهد بود.

بهارستان

روانبخش خطاب به روحانی: مردم از دولت ۸ ساله تو هیچ خاطره خوشی ندارند!

نماینده مردم قم در واکنش به اظهارات اخیر روحانی خطاب به او نوشت: آقای روحانی! اولاً که برای شما متأسفم که بعد از گذشت قریب به ۸۰ سال عمر هنوز مفهوم ولایت را نفهمیده اید و در فهم این مسأله از یک کودک دبستانی عقب‌ترید! ثانیاً خوب توجه کنید که مقام رفیع نیابت امام زمان علیه السلام به امثال شما نمی‌رسد، بی‌جهت به تخریب این جایگاه و ولی فقیه منصوب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نپردازید! ثالثاً شما و دوستانتان دچار اشتباه محاسباتی نشوید فکر نکنید امام خامنه‌ای شهید شد، میدان برای امثال شما فراهم شده است، ملت مبعوث پشت رهبری حکیم انقلاب اسلامی امام سید مجتبی خامنه‌ای تا پای جان ایستاده‌اند. رابعاً، لطفاً در آخر صف اپوزیسیون بایست اگر مردم به فرض محال یک روز به خاطر تضعیف جریان انقلابی و با فشار آمریکا به عنصر وابسته به غرب تن بدهند نوبت به شما نخواهد رسید، مردم از دولت ۸ ساله تو هیچ خاطره خوشی ندارند!



هشدار چند اندیشکده نسبت به ایجاد تمامیت خواهی و اقتدارگرایی در دولت



جمعی از اندیشکده‌های هادرنامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس شورای عالی فضای مجازی مطالبه انحلال ستاد «ساماندهی و راهبری فضای مجازی» و

احیای جلسات شورای عالی فضای مجازی و بازگشت به قانون اساسی و منویات مقام معظم رهبری را مطالبه کردند. در بخشی از این نامه آمده است: ایجاد نهادی فراقوه‌ای با وظایف و اختیارات گسترده و لازم‌الاجرا دانستن تمام مصوبات آن به واسطه تایید رئیس جمهور، موجب تداخل با حیطه اختیارات و وظایف رهبری، شوراهای عالی و دو قوه دیگر است. چنین رویکردی فارغ از افراد مستقر در این سمت‌ها به نوعی بن‌بست ساختاری، تمامیت‌خواهی نامیمون و اقتدارگرایی کنترل‌نشده منجر خواهد شد. به‌طور مثال «منوط کردن هرگونه برخورد با سکو‌ها و کسب‌وکارهای

متخلف به تصمیم شخص رئیس جمهور یا ستاد مذکور» که ماهیتی قانونی قضائی دارد و با بیان این مطلب که «ستاد فوق‌الذکر همان شورای عالی فضای مجازی است» در بیانات سخنگوی دولت، با اصول متعدد قانون اساسی نظیر اصول ۵۷، ۸۵، ۱۱۰ و ۱۵۶ مغایرت دارد. قانون اساسی در اصل ۱۷۶ حتی در شرایط خطیرو خاص امنیتی، اتخاذ تصمیمات را منوط به نظرخواهی شورایی در شورای عالی امنیت ملی و تایید مقام معظم رهبری دانسته است. همه این موارد درحالیست که ظرفیت شوراهای عالی با ریاست رئیس جمهور و ترکیبی متأثر از بدنه دولت دلسوز و تلاش‌گر، به همراه فرصت کم‌نظیر و فاقی سران قوا، امکان پیش‌برد هر طرح مدبرانه و کارشناسی را از مجاری قانونی فراهم کرده است.

یادداشت

راه حل جریان «ما می‌توانیم» برای مقابله با آمریکا چیست؟

سیدمرتضی موسوی نژاد
فعال سیاسی

فیلمی از سریع‌القلم منتشر شده است که اعتراف کرده است، آمریکایی‌ها بعد از انتخابات کنگره به سراغ عملیات گسترده نظامی علیه ایران می‌آیند. همچنین مشاور رئیس مجلس، طرفداران مقاومت جلوی دشمن را صاحب ناره حل خطاب کرده است. باید از این فرصت اجماع تحلیلی برای بررسی راه حل‌های دو طرف موضوع استفاده کرد. راه حل اول از آن جریان ما می‌توانیم است.

ملت میلیونی مبعوث که اصلی‌ترین مجموعه‌ای هستند که جریان ما می‌توانیم را نمایندگی می‌کنند معتقدند، اولاً این مقدمه که ترامپ تحت هر شرایطی بعد از انتخابات کنگره به ایران حمله می‌کند، صحیح نیست. دو موضوع می‌تواند جلوی ترامپ را برای این حمله سراسری مجدد بگیرد. موضوع اول کاهش هرچه بیشتر ذخایر به حداقل رسیده نفت آمریکا است. مسئولین کشور از همین امروز دو ماه مهلت دارند تا بسته نگه داشتن داشتن تنگه هرمز، به تخلیه هرچه بیشتر ذخایر راهبردی نفت آمریکا سرعت ببخشند.

در شرایط فعلی رویه رد کردن نفت به صورت کشتی به کشتی قطعاً خلاف این جهت و در جهت منافع دشمن است. مهمترین قسمت این راه حل آن است که تمام عوامل اجرای آن دست خودمان است و به عوامل بیرونی بستگی ندارد. وقتی ذخایر نفتی راهبردی آمریکا به سطح عملیاتی برسد که در آن حالت قابلیت استفاده از آن منتفی است، ترامپ نمی‌تواند به حمله به ایران فکر کند. صرفاً با برداشتن تحریم نفتی روسیه و ایران و برداشتن محاصره دریایی، خواهد توانست به تنظیم بازار نفت کمک کند. نباید فراموش شود که افزایش قیمت نفت و دیگر انرژی‌ها، تبعات سنگینی برای اقتصاد آمریکا با نرخ بهره ۵ درصد دارد. باید توجه داشت وضعیت فعلی اقتصاد آمریکا، هرگونه فشار مضاعف را به سختی می‌تواند تحمل کند. کافیتست به این گفته ترامپ توجه کنیم: «هریک درصد نرخ بهره‌ای که در این کشور می‌پردازیم، ۶۵۰ میلیارد دلار هزینه دارد.

نرخ بهره باید روی ۱ درصد باشد؛ نه ۴ درصد.» در صورتی که ترامپ بخواهد به کنش ایران برای جلوگیری از رد شدن نفت از تنگه اقدام کند، قیمت نفت لحظه به لحظه بالاتر خواهد رفت و شکست او در انتخابات بیش از پیش عمیق خواهد شد. برخی می‌گویند مقاومت ما در این ماه ممکن است ترامپ را به واکنش سهمگینی وادارد. سؤال این است این واکنش چقدر سهمگین‌تر از جمله مجدد او بعد از انتخابات کنگره است. تحلیل واقعی آن است که جنگ بعد از انتخابات در صورت وقوع عمیق‌تر و دارای خسارتی بیشتر خواهد بود. مؤلفه دوم در راه حل جریان ما می‌توانیم از دل مؤلفه اول بیرون می‌آید که همان پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات هردو مجلس کنگره آمریکاست. اگر دموکرات‌ها که طبق نظرسنجی‌ها، اکثریت مجلس نمایندگان را از آن خود خواهند کرد، بتوانند با افزایش فشار به بازار انرژی آمریکا، توسط ایران، اکثریت مجلس سنا را نیز از آن خود کنند، ترامپ که هم‌اکنون نمایندگی حزب جمهوری خواه را به عنوان رئیس جمهور برعهده دارد، برای تصویب بودجه، کاملاً وابسته به کنگره کاملاً دموکرات خواهد بود.

در نتیجه دموکرات‌ها که با شعار توقف جنگ علیه ایران روی کار خواهند آمد یا با مصوبه مستقل جلوی حمله به ایران را خواهند گرفت یا حداقل در هنگام تصویب بودجه، جلوی تصویب بودجه نظامی مدنظر ترامپ را خواهند گرفت یا حتی اگر حداقلی‌تر تحلیل کنیم، بخشی از بودجه نظامی توسط آنان به سمت جنگ اوکراین و روسیه سوق داده خواهد شد. باید توجه داشت بازه مهم از برگزاری انتخابات تا روی کار آمدن مجالس جدید را صرفاً با مؤلفه اول یعنی کاهش ذخایر نفت می‌توان مدیریت کرد.

زاکانی ضمن انتقاد از تفاهمنامه ایران و آمریکا، سخن گفتن از صلح در شرایط فعلی را زمینه‌سازی تنفس برای دشمن برشمرد

سایه جنگ با جنگ دور می‌شود

علیرضا زاکانی شهردار تهران طی سخنانی از تفاهمنامه روسای جمهور ایران و آمریکا انتقاد کرد. این انتقاد در شرایطی مطرح است که با فروپاشی ۱۴ بند تفاهمنامه به‌ویژه در موضوع لبنان و جبهه مقاومت و همچنین تشدید تحریم‌های اقتصادی و محاصره دریایی، انتقادات از روند منتهی به توافق اسلام‌آباد در کشور شدت گرفته است. در مقابل این انتقادات، اعضای هیات مذاکره‌کننده نه تنها پاسخی ارائه نکردند که با گرفتن ژست مدعی و طلبکار از منتقدان خواسته‌اند تا راه حل خود را در این زمینه ارائه دهند.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

این تعهدها خیانت کرد و یکی از آنها را عملی نکرد. باز مسیر ادامه پیدا کرد در سال ۹۴ در برجام باز ما تمام تفاهمی که انجام دادیم از سر خوش بینی بود، اما ماه عسلش این شد که ما نقداً داشته‌های خودمان رو دادیم، اما آمریکا به هیچ وجه به تعهدات خودش عمل نکرد و نهایتاً هم در سال ۲۰۱۸ آن رو زیر پا گذاشت و پاره کرد باز در تفاهم امسال در تفاهم ۱۴ بندی امسال تفاهمی صورت گرفت خوشبینانه عده‌ای به دنبال این بودند که با این تفاهم اتفاقاتی رقم بخوره در این کشور آمریکا وعده‌هایی داده بود، اما از همون روز اول بند یک آن را زیر پا گذاشت.

شهردار تهران خاطر نشان کرد: دوره تفاهماتی که در این تفاهمات آنچه که ایران نقد دارد پرداخت می‌کند و آمریکا وعده پوشالی می‌دهد تمام شده و دوره نصایحی که توصیه به کوتاه آمدن می‌کند، گذشته است.

وی افزود: اما امروز که در موضع استیصال قرار دارد، امروز در موقف شکست قرار دارد، راهی نیست جز اینکه در میدان نبرد آمریکا را شکست بدهیم و سایه جنگ را از سر ایران برداریم. سایه تهدید را برداریم و این حلقه معیوبی که او طلب می‌کند را بشکنیم.

زاکانی همچنین تصریح کرد: تفاهم بر روی کاغذ برای ما امنیت نمی‌آورد، الا تفاهمی که از قبل آن شرایطی ایجاد شود



که نقداً دشمن خواسته ملت ایران آن را پرداخت کند. وی افزود: این مسیری است که رهبر عزیزمان را مشخص کردند. فرمودند: «مذاکره می‌خواهید بکنید؟ زیر آتش...» و بعد از دریافت صریح و نقداً آنچه باید از دشمن گرفت، دو، سه مورد را هم مطرح کردند. فرمودند: اگر دشمن غرامت داد، اگر پول‌های ما را آزاد کرد، اگر برای تعرض تضمین داد و تضمین عملی گرفتید و نقداً داشته‌هایی را که باید از او بگیرید، گرفتید، آن موقع موقف مذاکره است و موقفی است که در آن موقف می‌شود به تفاهم رسید.

انتقاد از مصاحبه انتقادبرانگیز عراقچی امور خارجه دیگر محور سخنان زاکانی بود. او با بیان اینکه برخی بیان‌ها از داخل ایران دشمن را دچار توهم می‌کند، گفت: اگر آن روزی که از یک مسئولی سوال کردند که اگر رهبرتان را شهید کنند، چه کار می‌کنید؟ او برگردد رویه قانونی را بیان کند، (اشتباه کرده)؛ او باید برگردد و بگوید که غلط کرده، آمریکا هر کاری کند ده برابر سرش در می‌آوردیم.

مجلس هشدار داد؛ چرا سامانه «تم» بسته است؟



سخنگوی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با اشاره به ضرورت بازگشایی سامانه ثبت نام متقاضیان مسکن (تم) گفت: سامانه طرح های حمایتی مسکن صرفاً یک درگاه فنی نیست، بلکه ابزار شفاف سازی، احصای نیاز واقعی جامعه و شریان اتصال مردم به ظرفیت های قانونی است. عدم توجه به این مهم به معنای نادیده گرفتن چرخه صحیح برنامه ریزی مسکن و بی توجهی به مطالبات صریح نمایندگان مردم است که روزانه با دغدغه های معیشتی و سکونتی اقشار مختلف جامعه مواجه هستند. عبدالجلال ایری با اشاره به تکالیف صریح قانون برنامه هفتم تصریح کرد: براساس ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم، دولت مکلف به الحاق ۳۳۰ هزار هکتار زمین به محدوده سکونتگاهی کشور در طول دوره اجرای برنامه است. با این حال، ارزیابی روند اجرایی نشان می دهد که پیشرفت کار

با «برش های سالانه» تعیین شده در قانون فاصله معنادار و نگران کننده ای دارد. تأخیر در تحقق این تکالیف، دستیابی به اهداف کلان قانون برنامه را با چالش جدی مواجه می کند و راهکار آن نه توجیه شرایط موجود، بلکه تسریع در فرآیند الحاق اراضی و واگذاری آن به واجدان شرایط است. او با اشاره به تناقض آشکار در استدلال های وزارت راه و شهرسازی درباره سامانه «تم» گفت: این وزارتخانه از واگذاری زمین به متقاضیان به عنوان کارنامه اجرایی یاد می کند، اما نکته بسیار مهم اینجاست که همین میزان واگذاری های انجام شده تاکنون نیز دقیقاً بر بستر داده ها و پالایش متقاضیان شکل گرفته که پیش از این در سامانه «تم» ثبت نام کرده بودند. چطور می توان سامانه ای را که پایه و مبنای تمامی اقدامات، شناسایی متقاضیان و واگذاری های فعلی

بوده است، بی اثر خواند و هم زمان با بستن آن، امکان ثبت نیاز متقاضیان جدید را مسدود کرد؟ این رویکرد در عمل به معنای متوقف کردن شفافیت و پاک کردن صورت مسئله تقاضای واقعی در بازار مسکن است. سخنگوی کمیسیون عمران هشدار داد: بسته ماندن سامانه «تم» عملاً به معنای ایجاد یک زنجیره معیوب در نظام حکمرانی مسکن است. نخست، جمعیت قابل توجه مستأجران و فاقدان مسکن در کشور را در بالاترین سطح مطلق قرار داده و امکان ثبت و مطالبه نیاز واقعی شان را سلب کرده است. دوم، دست آویزی برای شبکه بانکی ایجاد کرده تا به بهانه نبود داده های به روز و تقاضای پالایش شده، از انجام تکالیف قانونی خود در پرداخت تسهیلات مسکن شانه خالی کنند. و در نهایت، نظام سیاست گذاری کشور را دچار «برنامه ریزی کور» می سازد.

(نوبنیاد) بازگشت خریداران به تالار شیشه ای را بررسی کرد؛

بورس در دوراهی صعود یا احتیاط

شاخص کل بورس تهران به عنوان نماگر بازار سهام پس از اصلاح موقت پایان هفته گذشته، در آغاز سومین هفته شهریورماه باردیگر با جهش بیش از ۹۷ هزار واحدی به کانال ۶۰۶ میلیون واحد بازگشت. هم زمانی رشد شاخص هم وزن، تثبیت ارزش معاملات خرد در کانال ۴۰ هزار میلیارد تومان و بازگشت پول حقیقی نشان می دهد موتور صعود بازار سهام همچنان روشن است؛ با این حال کارشناسان نسبت به رفتارهای هیجانی برای جلوگیری از تکرار تجربه سال ۹۹ هشدار می دهند.

عوامل غیراقتصادی و روانی عنوان کرد و گفت: از منظر بنیادی هیچ اتفاق منفی در بازار رخ نداده است؛ به طوری که گزارش های ماهانه شرکت ها عملکرد درخشان، افزایش نرخ ها و حجم فروش بالایی را ثبت کرده اند و رشد تدریجی دلار توافقی نیز سوخت اصلی سودآوری صنایع را فراهم کرده است. افزود: افت روز چهارشنبه و پایان هفته گذشته اساساً ناشی از شوک های فنی و روانی بود؛ انتشار خبر کاهش ضریب اعتباری و اختلال و هنگ کردن هسته معاملات، ترس و خاطره تلخ ریزش سال ۱۳۹۹ را در ذهن سهامداران زنده کرد. در این شرایط، سرمایه گذاران آماتور و غیرحرفه ای بدون بررسی گزارش شرکت ها دست به فروش هیجانی زدند. این کارشناس با اشاره به حفظ ارزش معاملات در محدوده ۴۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان، گفت: تقاضا در بازار زنده و بیدار است و شرایط بنیادی اجازه افت عمیق را نمی دهد؛ از این رو چشم انداز روزهای پیش رو با اتکا به عملکرد گزارش های ماهانه شرکت ها، برای بازار سهام سبز و مثبت ارزیابی می شود.

علی رحمانی، کارشناس دیگر نیز، ضمن تأکید بر پیشسازی گروه های خودروبی و پالایشی در معاملات اخیر، بر مدیریت ریسک و پرهیز از خریدهای هیجانی تأکید دارد. او روند صعودی دیروز را نشان دهنده بازگشت خریداران دانست و گفت: صرف یک رشد ۹۷ هزار واحدی نباید به معنای آغاز قطعی موج صعودی بدون وقفه تلقی شود؛ چرا که بازار در هفته اخیر ثابت کرده عرضه ها می توانند در نیمه دوم معاملات به سرعت فعال شوند. این کارشناس تأکید کرد: مهم ترین فاکتور پیش رو، توانایی شاخص در تثبیت پایدار بالای مرز ۶۰۶ میلیون واحد و حفظ ارزش معاملات بالای ۴۰ هزار میلیارد تومان است. وی افزود: در صورتی که ریسک های سیاسی و فرماندهای تشدید نشوند، بازار میل به صعود دارد؛ اما تعقیب هیجانی قیمت ها در صف های اخیر پرریسک است و سهامداران باید نگاه گزینشی و بنیادی داشته باشند و هرگز اصول مدیریت ریسک و تنوع بخشی سبد سهام غافل نشوند. معاملات روز گذشته و آغاز سومین هفته شهریورماه نشان داد که قطار بورس پس از یک استراحت کوتاه، بار دیگر روی ریل صعود حرکت می کند. با این حال، مرور وقایع اخیر حاوی دو پیام کلیدی برای سرمایه گذاران و سیاست گذاران بازار است که از یکدیگر قابل تکنیک نیستند.

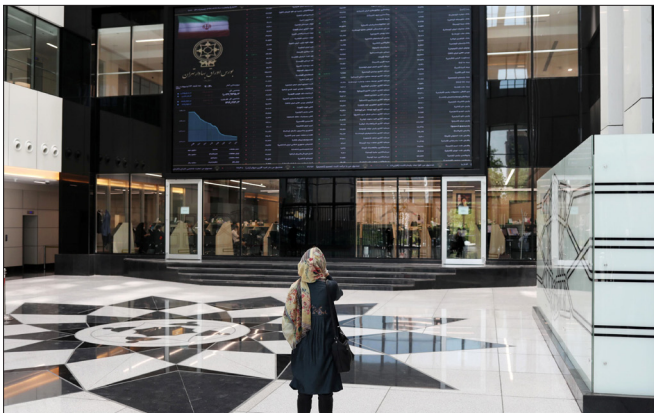
۵۷۵ واحدی، (۱۱۳ درصد) در محدوده ۵۱ هزار و ۴۱۰ واحد قرار گرفت. بررسی شاخص صنایع نشان دهنده فراگیری مثبت ها در کل بازار بود؛ به طوری که از میان ۴۱ صنعت فعال، منحنی شاخص ۳۱ صنعت صعودی شد، ۱۳ صنعت بازدهی بیش از دو درصد ثبت کردند و شاخص ۸ صنعت موفق به شکستن سقف تاریخی خود شد. صنعت بانکداری با ثبت ارزش معاملاتی ۶ هزار و ۵۹۲ میلیارد تومانی در صدر گروه های بورسی ایستاد و پس از آن صنایع فرآورده های نفتی و فلزات اساسی بیشترین ارزش و حجم معاملات روزانه را به خود اختصاص دادند. مهم ترین متغیر تقصین کننده رونق بورس یعنی ارزش معاملات خرد، در جریان معاملات روز شنبه از مرز ۴۴ هزار میلیارد تومان فراتر رفت. مجموع ارزش کل معاملات بورس و فرابورس نیز به مرز ۱۱۳ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران شامل بورس، بازار پایه و فرابورس در محدوده ۲۲ هزار و ۵۴۳ میلیارد تومان ایستاد. حقیقی ها نیز پس از عرضه های هفته قبل، بار دیگر در نقش خریدار ظاهر شدند و تراز پول خرد با ورود ۲۰۴ هزار میلیارد تومانی مثبت شد. بیشترین ورود نقدینگی به گروه های فرآورده های نفتی، استخراج کانه های فلزی و سرمایه گذاری ها تعلق گرفت.

مقاومت تقاضا در برابر نوسانات

در جریان دادوستدهای دیروز، بازار کار خود را با جهش آغاز کرد و شاخص کل در نیم ساعت ابتدایی تا ارتفاع ۶ میلیون و ۶۲۸ هزار واحد پیشروی کرد اما در ادامه با افزایش عرضه ها و شناسایی سود در برخی نمادهای بزرگ، شاخص کل اندکی عقب نشست و حتی برای دقایقی به زیر ۶ میلیون واحد بازگشت. با این حال حضور نقدینگی فعال در کف ها موجب شد موج دوم تقاضا شکل گیرد و در نهایت با سبزپوشی بیش از ۷۸ درصد نمادها، شاخص بالاتر از مرز ۶۰۶ میلیون واحد تثبیت شود. هم زمانی رشد بورس با افزایش انتظارات تورمی و صعود قیمت ها در بازارهای موازی دلار و طلا، بورس را به عنوان یکی از مهم ترین مقاصد حفظ ارزش دارایی ها در شرایط تورمی مطرح کرده است.

چشم انداز روزهای آینده

علیرضا خان محمدی، کارشناس بازار سرمایه افت روزهای پایانی هفته گذشته را ناشی از



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار



نوسان، ذات جدایی ناپذیر بورس

سهامداران باید بپذیرند که پس از رشد های پرشتاب، شناسایی سود، اصلاح و جابه جایی مالکیت سهام کاملاً طبیعی است. به همین دلیل رفتارهای هیجانی و تصمیمات شتاب زده، اعم از فروش های بی دلیل در روزهای اصلاح و خرید های کورکورانه در صف های خرید، آفت جدی سرمایه گذاری به شمار می رود. در شرایط کنونی که بازار با استقبال بی سابقه نقدینگی مواجه است، پابندی به تحلیل بنیادی، بررسی دقیق صورت های مالی شرکت ها و تنوع بخشی به پرتفوی، تنها راهکار حفظ سرمایه و بهره برداری هوشمندانه از روند صعودی بازار سهام است.

موج خبر

سیانان: تحریم های جدید آمریکا عیله ایران، اثر گذار نیست

شبکه خبری سیانان در گزارشی درباره تازه ترین اقدامات دولت دونالد ترامپ علیه ایران نوشت: واشنگتن اجرای دور جدیدی از فشارهای اقتصادی و مالی علیه ایران را در قالب طرحی موسوم به «عملیات طرد اقتصادی» آغاز کرده است؛ با این حال، کارشناسان و دیپلمات هایی که با این شبکه گفت و گو کرده اند، درباره میزان اثربخشی این سیاست و آمادگی آمریکا برای هدف قرار دادن شرکای اصلی اقتصادی ایران، به ویژه چین، تردید دارند. به نوشته سیانان، مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا، از دیپلمات های این کشور در سراسر جهان خواسته است کشورهای محل مأموریت خود را به شناسایی و قطع ارتباطات مالی و بانکی با ایران ترغیب کنند. این دستورالعمل همچنین بر توقف فعالیت شعب بانک های ایرانی در کشورهای مختلف تأکید دارد. در همین چارچوب، وزارت خزانه داری آمریکا روز جمعه گذشته تحریم هایی را علیه یک بانک ترکیه ای و شرکت های وابسته به آن اعمال کرد. آمریکا مدعی است این مجموعه از مسیرهای مهم تأمین مالی ایران بوده و در انتقال میلیون ها دلار، از جمله درآمدهای مرتبط با فروش نفت، نقش داشته است. با وجود تبلیغات گسترده دولت ترامپ درباره آغاز یک فشار اقتصادی کم سابقه، سیانان تصریح کرد که اقدامات آمریکا تاکنون به صورت تدریجی و مرحله ای اجرا شده و خبری از یک «فشار اقتصادی» یکپارچه و فوری نبوده است. همین مسئله، پرسش هایی را درباره فاصله میان شعارهای دولت آمریکا و میزان واقعی فشار اعمال شده علیه ایران ایجاد کرده است.

سیانان در ادامه گزارش خود، چین را مهم ترین آزمون سیاست جدید آمریکا دانسته است. چین یکی از اصلی ترین شرکای تجاری ایران و خریدار عمده نفت ایران است و کارشناسان درباره اینکه آیا دولت ترامپ حاضر خواهد شد برای فشار بر تهران، مستقیماً منافع اقتصادی پکن را هدف قرار دهد یا خیر، تردید دارند.

به نوشته این شبکه، بخش قابل توجهی از تجارت نفت ایران و چین از مسیرهایی انجام می شود که خارج از شبکه مالی تحت کنترل آمریکا قرار دارند. همین مسئله، توان واشنگتن برای متوقف کردن کامل این مبادلات را با محدودیت مواجه می کند. در این میان، تجربه چند دهه ای ایران در مواجهه با تحریم ها نیز مورد توجه سیانان قرار گرفته است. برخی منابع منطقه ای به این شبکه گفته اند ایران سال هاست راه های مدیریت و دور زدن تحریم ها را آموخته و توان تحمل فشارهای اقتصادی قابل توجهی را دارد. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، در واکنش به تردیدها درباره اثربخشی تحریم ها، این دیدگاه را که اقدامات واشنگتن بی اثر هستند رد و تأکید کرد که آمریکا در این مقطع با شدت کم سابقه ای وارد عمل شده است.

کارشناسان و فعالان اقتصادی تاکید کردند؛

جنگ هم نبود، تورم و ارز بالا می‌رفت

مقصرنمایی از جنگ در وضعیت نابسامان اقتصادی، به الگوی ثابت دولت و رسانه‌های وابسته بدل شده است؛ حال آنکه مرور آمارهای رسمی نشان می‌دهد ریشه اصلی تورم افسارگسیخته و جهش تاریخی نرخ ارز، به ماه‌ها پیش از آغاز هرگونه درگیری نظامی بازمی‌گردد. حذف ناگهانی ارز ترجیحی در دی‌ماه سال



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

بزرگ‌نمایی تأثیر جنگ بر مؤلفه‌های اقتصادی همچنان در دستور کار مقامات دولت و چهره‌ها و رسانه‌های وابسته به آن‌ها ادامه دارد. از اوایل سال جاری بود که با تشدید تورم و جهش قیمت در برخی بازارها، از جمله بازار خودرو، جنگ به بهانه دولتی‌ها و نزدیکان سیاسی آن‌ها برای توجیه ناکارآمدی‌ها و روند روبه‌خامت شرایط اقتصاد کشور تبدیل شد. شروع ناگهانی این بهانه جویی‌ها و استفاده هماهنگ مقامات دولت و رسانه‌ها و چهره‌های نزدیک به دولت از کلیدواژه جنگ برای توجیه نابسامانی‌های اقتصادی، طراخی شده بودن این خط رسانه‌ای را به‌وضوح نشان می‌داد. هرچه از ابتدای سال گذشت، دایره اشخاص و نهادهای دولتی که جنگ را دستاویزی برای توجیه نابسامانی حوزه مدیریتی خود می‌کردند، بیشتر شد. در این میان، اما دو نفر، فعال‌ترین افراد دولت در این خط رسانه‌ای بودند؛ مسعود پزشکیان، رئیس دولت، و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی. استفاده مکرر این دو چهره از جنگ برای توجیه شرایط اقتصادی به حدی رسید که اعتراض بسیاری از کارشناسان، نمایندگان، فعالان اقتصادی و رسانه‌ها را برانگیخت.

جهش نرخ ارز و تورم پیش از جنگ رمضان

مرور آمارهای تورم بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می‌دهد نرخ تورم از همان ماه‌های اول آغاز به کار دولت پزشکیان تاکنون به‌طور مداوم روند صعودی داشته است. با این حال، دی‌ماه سال گذشته نقطه عطفی در این مسیر صعودی بود؛ جایی که دولت یک‌باره تصمیم به اجرای سیاست موسوم به «یکسان‌سازی نرخ ارز» گرفت. براساس این سیاست، ارز ترجیحی حذف و نرخ ارز مرکز مبادله ناگهان حدود ۵۰ درصد افزایش یافت. همین شوک ارزی باعث ایجاد شوک قیمتی در بازارهای مختلف شد که آثار آن را می‌توان در افزایش شدید تورم ماه‌های دی و بهمن مشاهده کرد. بازار ارز هم پیش از آغاز جنگ دچار التهاب شده بود. نرخ ارز که در ابتدای شروع به کار دولت پزشکیان حدود ۵۹ هزار تومان بود، تا پایان بهمن به ۱۶۳ هزار تومان رسید. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد بازار ارز طی ۱۸ ماه ابتدایی دولت پزشکیان و پیش از آغاز جنگ

رمضان، جهش قیمتی نزدیک به سه برابری را تجربه کرده بود. اجرای سیاست موسوم به یکسان‌سازی نرخ ارز و رشد بی‌وقفه نرخ ارز تا پیش از جنگ، باعث شد نرخ تورم نقطه به نقطه مصرف‌کننده که در ابتدای دولت پزشکیان ۳۱ درصد بود، در بهمن‌ماه سال گذشته (قبل از جنگ رمضان) به ۶۸ درصد افزایش یابد؛ البته با توجه به تأثیر تأخیری حذف ارز ترجیحی بر قیمت تولید برخی اقلام، نظیر گوشت قرمز و محصولات پتروشیمی، اثر تورمی سیاست موسوم به یکسان‌سازی نرخ ارز در ماه‌های پس از آغاز جنگ هم ادامه یافت.

تورم را سه‌رقمی کردند و به گردن جنگ انداختند

سعید فتحی سارانی تحلیلگر مسائل اقتصادی در واکنش به ادعای دولتی‌ها در منحصّر کردن علت اصلی مشکلات اقتصادی به جنگ گفت: تورم بهمن پارسال را مطالعه کنید؛ قبل از جنگ، با حذف ارز ترجیحی، تورم کالاهای اساسی را به ۱۰۰ درصد رساندند. حالا می‌خواهند گرانی را به گردن جنگ بیندازند. او افزود: وقتی دولت خودش قبل از جنگ قیمت دلار را با حذف ارز ترجیحی ۲ برابر کرد، معلوم است قیمت پوشک بچه هم چند برابر می‌شود. چرا گرانی پوشک را به جنگ ربط می‌دهید؟ این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: حذف ارز ترجیحی قبل از جنگ، قیمت گوشت قرمز را از ۸۰۰ هزار تومان به حدود ۲ میلیون تومان رساند؛ تمام گرانی‌ها قبل از جنگ رخ داد و کوچک‌ترین ارتباطی به جنگ و محاصره ندارد.

فتحی سارانی در رابطه با افزایش نرخ ارز طی هفته‌های اخیر نیز گفت: قیمت ارز دو هفته پیش در کانال ۱۸۰ هزار تومان بود؛ مگر چه اتفاقی افتاد که یک‌دفعه قیمت جهشی شد؟ آیا علتی جز پالس ضعف مسئولان کشور دارد؟ او تصریح کرد: ریچارد نفیور در کتاب خودش می‌نویسد تحریم‌ها وقتی اثر خودشان را می‌گذارند که مسئولان ایرانی به اوضاع بد اقتصادی اعتراف کنند و پالس ناامیدی به جامعه بدهند؛ همین کاری که مسئولان الان انجام می‌دهند.

چرا قیمت خوراک دام ۴ برابر شد

فعالان اقتصادی هم جزو طیف دیگر منتقدان بهانه تراشی‌های دولتی‌ها هستند. جواد ابراهیمی مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران ایران گفت:

دولت پزشک‌یان در اواخر اسفند پارسال که ما زیربیماران آمریکا بودیم، ناگهان قیمت سبوس خوراک دام را که کاملاً تولید داخل است، ۴ برابر کرد؛ این کارشان خیلی عجیب بود. او ادامه داد: وقتی قیمت غذای دام را از ۹ هزار تومان تبدیل به ۳۹ هزار تومان می‌کنید، بدون اینکه کوچک‌ترین ارتباطی به ارز و جنگ و محاصره داشته باشد، توقع دارید قیمت گوشت و مرغ ۴ برابر نشود؟ توقع دارید با این کارشان قیمت گوشت گران نشود؟

تراکم‌های داخلی مؤثرترند

رضا سالمی دبیر انجمن واردکنندگان گوشت و فرآورده‌های دامی هم سیاست‌های دولت را عامل اصلی جهش قیمت محصولات دامی عنوان کرد و گفت: وقتی در دی‌ماه پارسال با حذف ارز ترجیحی، قیمت تمام‌شده کالاهای اساسی را سه، چهار برابر کردید، بفرمایید این گرانی دقیقاً چه ارتباطی به جنگ و محاصره دریایی دارد؟ او اضافه کرد: روزی که ارز ترجیحی حذف شد و قیمت نهاده تولید ۴ برابر شد، همه ما می‌دانستیم که گرانی گوشت و مرغ دقیقاً ۵ ماه بعد خودش را نشان خواهد داد؛ خیلی عجیب است که امروز دولت این گرانی را به جنگ ربط می‌دهد. دبیر انجمن واردکنندگان گوشت و فرآورده‌های دامی با طرح این نکته که تراکم‌های داخلی در بانک مرکزی خیلی مؤثرتر، مهم‌تر و شدیدتر از تحریم و محاصره تراکم خارجی است، گفت: تا وقتی محدودیت‌های قانونی بانک مرکزی برطرف نشود، واردکنندگان نمی‌توانند با خیال راحت کالا وارد کشور کنند. موانع قانونی که بانک مرکزی مقابل پای واردکنندگان ایجاد می‌کند، خیلی سخت‌تر از تحریم‌ها و محاصره تراکم است.

طیف منتقدان به اظهار مقامات دولت و در رأس آن مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، البته به همین موارد ختم نشد. حسین احمدی تحلیلگر مسائل استراتژیک در واکنش به اظهارات هماهنگ مقامات دولت در معرفی جنگ به عنوان عامل مشکلات و به‌ویژه تورم، اظهار داشت: آقایان دولتی! اگر تورم ناشی از جنگ و تحریم است، پس شما چکاره‌اید؟ او همچنین ضمن انتقاد از بی‌عملی دولتی‌ها در حل مسائل اقتصادی کشور تصریح کرد: شما را در این پست‌ها گذاشته‌اند تا تغییری در این روندها ایجاد شود.

گران‌سازی کاذب پذیرفتنی نیست

رمضانعلی سنگدوبینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس می‌گوید: در برهه‌ای که دشمن رسماً اعلام کرده که میدان تقابل را به جنگ اقتصادی گشانده و اصل حاکمیت و معیشت جامعه را نشانه رفته است، وظیفه تمام دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قضایی این است که با تمام توان برای آرامش بخشی به سفره مردم و تأمین بی‌وقفه کالاهای پای کار باشند. ممکن است در شرایط کنونی به دلیل تغییر مسیرهای ترانزیتی و مبادلاتی، هزینه‌های لجستیک و انتقال کالا افزایش یافته باشد که این امر در نرخ تمام‌شده اثرگذار است؛ اما آنچه به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست، گران‌سازی کاذب و گران‌فروشی خودسرانه است.

نبض اقتصاد

آثار جنگ با ایران به سفره جهانی رسید

افزایش قیمت مواد غذایی دیگر تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ مجموعه‌ای از بحران‌های اقلیمی و ژئوپلیتیکی در حال تبدیل شدن به تهدیدی برای امنیت غذایی جهان است. تازه‌ترین گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فاو) نشان می‌دهد شاخص قیمت جهانی مواد غذایی در ماه اوت ۲۰۲۶ به ۱۳۳.۳ واحد رسیده؛ رقمی که بالاترین سطح از نوامبر ۲۰۲۲ تاکنون محسوب می‌شود. این شاخص تنها طی یک ماه ۱.۹ درصد افزایش یافته و نسبت به مدت مشابه سال قبل نیز ۲.۵ درصد رشد کرده است. تجربه سال ۲۰۲۲ نشان داد که یک بحران ژئوپلیتیکی چگونه می‌تواند هم‌زمان بازار غلات، انرژی، حمل‌ونقل و مواد غذایی را تحت تأثیر قرار دهد. اکنون نیز نشانه‌های مشابهی در حال ظهور است؛ با این تفاوت که این بار خلیج فارس و مسیرهای حیاتی انرژی و تجارت نیز در کانون بحران قرار گرفته‌اند.

فاو بخش قابل توجهی از افزایش اخیر را به شرایط نامساعد جوی، تنش‌های ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس و تداوم نااطمینانی درباره صادرات غلات از مسیر دریای سیاه نسبت داده است. در اقتصاد جهانی، نفت تنها یک کالای انرژی نیست، قیمت آن در هزینه تولید، حمل‌ونقل، کشاورزی، کود و حتی بسته‌بندی مواد غذایی اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد؛ بنابراین افزایش قیمت نفت در پی تشدید درگیری نظامی در منطقه خلیج فارس می‌تواند با یک وقفه زمانی به بازار مواد غذایی منتقل شود.

در میان گروه‌های غذایی، شکر یکی از مهم‌ترین محرک‌های افزایش شاخص فائو بوده است. قیمت جهانی شکر در ماه اوت نزدیک به ۱۲ درصد افزایش یافت و به بالاترین سطح از ژوئن رسید. گرمای شدید و خشکی در اروپا، اثرات ال‌نینو بر تولید آسیایی، کاهش تولید برزیل و تصمیم‌های برای افزایش واردات، نگرانی‌ها درباره عرضه را تشدید کرده است. در بازار غلات نیز شرایط نگران‌کننده است. شاخص قیمت غلات ۲۰۲ درصد رشد کرد. قیمت گندم ۲.۶ درصد در یک ماه و ۱۵ درصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته است. اختلال در تردد کشتی‌ها در دریای سیاه و کاهش پیش‌بینی تولید اروپا از عوامل اصلی این افزایش بوده‌اند. ذرت نیز ۲.۵ درصد گران شده و نگرانی درباره تولید آمریکا و اروپا، اختلال صادرات اوکراین و همچنین تحولات خلیج فارس بر بازار آن سایه انداخته است. هم‌زمان شاخص روغن‌های نباتی برای سومین ماه متوالی افزایش یافته و به بالاترین سطح از ژوئن ۲۰۲۲ رسیده است. لبنیات نیز پس از چهار ماه کاهش، ۲.۳ درصد و گوشت یک درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

نگرانی‌ها تنها به قیمت‌های فعلی محدود نیست. فائو پیش‌بینی خود از تولید جهانی غلات در سال ۲۰۲۶ را به ۲.۹۸ میلیارد تن کاهش داده است؛ یعنی ۶۱.۱ میلیون تن کمتر از سال قبل. این بزرگ‌ترین کاهش سالانه تولید از سال ۲۰۱۸ خواهد بود. فائو همچنین موجودی انبارهای غلات جهان را ۹۴۷ میلیون تن برآورد کرده است. هرچند نسبت ذخایر به مصرف، ۳۱.۶ درصد، هنوز از منظر تاریخی وضعیت نسبتاً مناسبی دارد، اما ترکیب هم‌زمان ریسک‌های اقلیمی، جنگ در دریای سیاه، تنش در خلیج فارس و اختلال در مسیرهای تجاری، چشم‌انداز بازار غذا را شکننده کرده است. این وضعیت برای ایران اهمیت دوچندان دارد. کشوری که هم‌زمان با فشار تحریم، نوسانات ارزی و افزایش هزینه واردات مواجه است، نمی‌تواند نسبت به موج جدید تورم جهانی غذایی تفاوت باشد. اگر جنگ آمریکا با ایران به افزایش پایدار قیمت نفت و اختلال در مسیرهای تجاری منجر شود، هزینه تأمین کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید نیز افزایش خواهد یافت.

در چنین شرایطی، مسئله فقط گران شدن یک کیلو گندم، روغن یا شکر نیست؛ مسئله انتقال هزینه جنگ از میدان نبرد به سفره مردم جهان است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که بحران انرژی و اختلال در تجارت جهانی، دیر یا زود خود را در قیمت مواد غذایی نشان می‌دهد.

یادداشت

صورتحساب جنگ ترامپ روی میز آمریکایی‌ها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

جنگی که قرار بود برای واشنگتن نمایش قدرت باشد، حالا آرام‌آرام قبض آن را به دست مردم آمریکا می‌دهد. هنوز شعله‌های درگیری در خاورمیانه فروکش نکرده که اثر مستقیم آن در پمپ بنزین‌ها، مزارع و سبد هزینه خانوارهای آمریکایی نمایان شده است. جایی که قیمت بنزین از مرز ۴ دلار عبور کرده و گازوئیل رکوردهای تاریخی تازه‌ای ثبت می‌کند. آن هم در شرایطی که دونالد ترامپ پیش‌تر وعده داده بود هزینه انرژی را برای آمریکایی‌ها کاهش دهد.

گزارش گاردین تصویری تکان‌دهنده از وضعیت بازار سوخت ارائه می‌دهد. این روزنامه از جهش نجومی قیمت سوخت برای کشاورزان آمریکا و انگلیس خبر داده و نوشته است تشدید درگیری میان آمریکا و ایران، در کنار ممنوعیت صادرات گازوئیل روسیه، موجب شده قیمت گازوئیل در کمتر از یک هفته حدود ۱۰ درصد افزایش پیدا کند. گاردین همچنین به نقل از الکس هریسون، مسئول خرید سوخت یک تعاونی کشاورزی، می‌نویسد قیمت انواع سوخت طی تنها چند روز «به میزان نجومی» افزایش یافته است.

اما بخش دردناک‌تر ماجرا برای آمریکایی‌هاست. رویترز گزارش داده قیمت گازوئیل در آمریکا به رکورد جدیدی رسیده و قیمت هر گالن بنزین در جایگاه‌ها نیز در آستانه ثبت رکورد تاریخی برای تعطیلات روز کارگر قرار گرفته است. میانگین قیمت بنزین آمریکا در روز پنجشنبه حدود ۴.۱۳ دلار در هر گالن بوده است. رقمی که تقریباً یک دلار بیش‌تر از میانگین سال گذشته است. گس‌بادی نیز پیش‌بینی کرده میانگین ملی در روز کارگر به حدود ۴.۰۳ دلار برسد. سطحی که از رکورد قبلی ۳.۸۳ دلاری سال ۲۰۱۲ نیز بالاتر است.

رویترز از راننده‌ای در کلرادو گزارش می‌دهد که گفته در شرایط فعلی فقط توان خرید ۱۵ دلار بنزین را دارد. شهروند دیگری در تگزاس نیز از کاهش سفرهای تفریحی خود می‌گوید، چراکه هزینه رفت‌وآمد و خرید مواد غذایی هم‌زمان افزایش یافته است. رویترز به صراحت می‌نویسد خانواده‌هایی که بودجه‌شان از قبل تحت فشار بوده، اکنون حتی برای سفرهای معمولی آخر هفته نیز عقب‌نشینی می‌کنند.

حتی کشاورزان نیز از این موج در امان نمانده‌اند. گاردین گزارش می‌دهد کشاورزان برای مدیریت نقدینگی خود مجبور شده‌اند به جای خرید عمده، سوخت را در حجم‌های کوچک‌تر و دفعات بیشتر تهیه کنند، چراکه نمی‌دانند قیمت‌ها در روزهای آینده تا کجا بالا خواهد رفت. این یعنی جنگ، از میدان نبرد هزاران کیلومتر دورتر، مستقیماً وارد اقتصاد تولید و زندگی مردم شده است. طنز تلخ ماجرا آنجاست که آمریکا خود یکی از صادرکنندگان بزرگ فراورده‌های نفتی است. رویترز می‌نویسد صادرات فراورده‌های پالایش‌شده آمریکا بیش از ۱۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

ترامپ زمانی مدعی بود جنگ اقتصادی و فشار حداکثری، دشمن را به زانو درمی‌آورد اما حالا بخشی از هزینه سیاست‌های او در قالب بنزین گران، گازوئیل رکوردشکن و کاهش قدرت خرید، روی دوش همان مردمی افتاده که قرار بود از سیاست‌هایش سود ببرند.



Military leaders warn Hegseth against extending Iran war operations

A recent classified assessment advised that prolonged large-scale operations in the Middle East risk weakening U.S. capabilities elsewhere.

August 30, 2026

11 min

Summary

3,437

Make us preferred on Google

احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی که منتشر کرد، پرده از ارزیابی محرمانه‌ای برداشت که بر اساس آن شماری از فرماندهان ارشد ارتش آمریکا به پیت هگست، وزیر جنگ این کشور، هشدار داده‌اند ادامه عملیات گسترده علیه ایران پایدار نیست و می‌تواند توانایی ارتش آمریکا برای مقابله با تهدیدهای دیگر، حتی تهدیدهای متوجه خاک این کشور، را تضعیف کند.

اهمیت این گزارش در آن است که هشدار مذکور نه از سوی یک تحلیلگر دانشگاهی یا مخالف سیاسی ترامپ، بلکه از سوی عالی‌ترین سطوح فرماندهی نظامی آمریکا مطرح شده است. فرماندهان نیروی زمینی، دریایی و هوایی و همچنین فرماندهان مناطق عملیاتی اروپا، اقیانوس آرام و آمریکای جنوبی نسبت به ادامه اختصاص نیرو و تجهیزات به جنگ ایران ابراز نگرانی کرده‌اند.

در یکی از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های این ارزیابی، دریادار داریل کودل، رئیس عملیات نیروی دریایی آمریکا، اعلام کرده است که تنها حدود یک چهارم ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا آماده استقرار هستند. ادامه محاصره بنادر ایران و فشار عملیاتی برای بازنگه داشتن تنگه هرمز، چرخه تعمیر و نگهداری ناوگان آمریکا را نیز تحت فشار قرار داده است. این یعنی آمریکا نه با یک جنگ کوتاه و کم‌هزینه، بلکه با جنگی مواجه شده که دارد ستون فقرات قدرت نظامی آن را فرسوده می‌کند.

ناوگان فرسوده و زرادخانه‌ای که دیگر بی‌انتهایست

واشنگتن پست گزارش داده است که نیروی دریایی آمریکا برای ماه‌ها مجبور بوده ده‌ها شناور را در منطقه نگه دارد و مأموریت برخی نیروها و کشتی‌ها نیز برای ماه‌ها تمدید شده است. همین مسئله فشار سنگینی

بر چرخه تعمیر و نگهداری ناوگان وارد کرده و به گفته مقام‌های مطلع، ادامه این روند می‌تواند آمادگی ناوگان را در صورت بروز جنگ‌های دیگر به خطر بیندازد.

ماجرای فقط به ناوشکن‌ها محدود نمی‌شود. جنگ ایران ذایر موشک‌های پدافندی پاتریوت، رهگیرهای تاد و موشک‌های تاماهاوک آمریکا را نیز تحت فشار قرار داده است. حدود ۲۵ درصد از ناوگان پهپادهای رپیر آمریکا

نیاز دست‌رفته و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه متحمل میلیاردها دلار خسارت شده‌اند.

حتی فرماندهی اقیانوس آرام آمریکا نسبت به انتقال مستمر ناوها و تجهیزات خود به خاورمیانه اعتراض کرده است. اقدامی که توان آمریکا برای مواجهه با چین را نیز تضعیف کرده است.

به بیان روشن‌تر، جنگ علیه ایران برای آمریکا فقط یک پرونده منطقه‌ای نیست؛ جنگی است که دارد ظرفیت آمریکا برای جنگیدن در نقاط دیگر جهان را نیز می‌بلعد.

اعتماد به نفس ایران؛ نگرانی تازه واشنگتن

در همین شرایط، گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا از تغییر محاسبات ایران حکایت دارد. گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های آمریکایی می‌گویند تهران اکنون درک بسیار بهتری از توانایی‌های خود و محدودیت‌های قدرت آمریکا پیدا کرده و برای ادامه درگیری در یک بازه طولانی‌تر آمادگی بیشتری دارد.

این تحول برای واشنگتن بسیار مهم است زیرا محاسبه اولیه آمریکا براین فرض بنا شده بود که فشار نظامی و اقتصادی می‌تواند ایران را در مدت کوتاهی وادار به عقب‌نشینی کند. اما اکنون مسئله معکوس شده است. ایران در حال مشاهده هزینه‌های جنگ برای آمریکا است و آمریکا نگران است که ادامه درگیری، فرسایش بیشتری به توان نظامی و اقتصادی‌اش تحمیل کند.

بنابراین افزایش اعتماد به نفس ایران صرفاً یک برداشت تبلیغاتی نیست بلکه بخشی از نگرانی دستگاه امنیتی و نظامی آمریکاست.

فرصتی برای نمایش قدرت ایران

در چنین شرایطی، مسئله مهم برای ایران فقط ادامه مقاومت نیست بلکه استفاده هوشمندانه از ضعف آشکارشده دشمن است.

تضعیف آمریکا و آشکار شدن نقاط ضعف کنونی آن، موجب افزایش اعتماد به نفس

رسانه‌های آمریکایی با تحلیل شرایط میدان فاش کردند

فرصت طلایی ایران

شش ماه پس از آغاز جنگ آمریکا علیه ایران، نشانه‌های فرسودگی ماشین جنگی واشنگتن دیگر صرفاً در محافل تحلیلی یا رسانه‌های منتقد دولت ترامپ مطرح نمی‌شود، بلکه به متن گزارش‌های اطلاعاتی و ارزیابی‌های محرمانه پنتاگون راه یافته است. از یک سو گزارش‌های منتشرشده درباره ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا از افزایش اعتماد به نفس ایران و شناخت دقیق‌تر تهران از توانایی‌های خود و محدودیت‌های قدرت آمریکا حکایت دارد و از سوی دیگر واشنگتن پست از هشدار صریح فرماندهان ارشد ارتش آمریکا درباره ناتوانی در ادامه جنگ خبر داده است. در چنین شرایطی، آنچه زمانی نقطه قوت آمریکا تصور می‌شد، اکنون به پاشنه آشیل آن تبدیل شده و برای ایران فرصتی کم‌نظیر جهت نمایش قدرت و افزایش فشار بر دشمن فراهم آورده است.

ایران شده و می‌تواند فرصت مناسبی برای مانور نظامی و نمایش ظرفیت‌های قدرت ایران در برابر آمریکا فراهم کند.

اگر آمریکا در اوج جنگ مجبور شده درباره کمبود ناوشکن، فرسودگی ناوگان، کاهش ذخایر موشکی و طولانی شدن مأموریت نیروهایش هشدار دریافت کند، این وضعیت باید در محاسبات راهبردی تهران مورد توجه قرار گیرد.

این همان نقطه‌ای است که باید تفاوت میان قدرت تبلیغاتی و قدرت واقعی را دید. آمریکایی‌ها که زمانی با اتکا به ناوهای هواپیمابر و زرادخانه عظیم خود برای دیگران خط و نشان می‌کشید، امروز فرماندهانش درباره توان ادامه یک جنگ واحد هشدار می‌دهند.

مراقب فرصت تنفس دادن به آمریکا باشیم

اما درست در همین نقطه یک خطر جدی نیز وجود دارد. خطری که اتفاقاً ممکن است در پوشش مذاکره و دیپلماسی مجدد خود را نشان دهد و مجدداً هزینه ایجاد کند.

اگر واشنگتن به این جمع‌بندی رسیده باشد که ادامه فشار نظامی با هزینه‌های فزاینده برای ارتش آمریکا همراه است، بعید نیست بار دیگر پیشنهاد مذاکره، آتش‌بس یا توافقی برای باز شدن تنگه هرمز را روی میز بگذارد. نه لزوماً از موضع قدرت، بلکه برای خرید زمان، بازسازی توان نظامی و ایجاد یک فرصت تنفس برای ماشین جنگی فرسوده آمریکا.

اینجاست که باید نسبت به یک خطای محاسباتی خطرناک هشدار داد. اینکه عده‌ای همچنان دل به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بسته باشند و تصور کنند آمریکا در مقابل باز شدن هرمز قرار است همه امتیازات مورد انتظار، از رفع تحریم‌ها گرفته تا آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران و حتی سرمایه‌گذاری برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده را یکجا تقدیم کند.

سؤال اساسی این است که اگر قرار بود آمریکا با مذاکره و امتیازدهی واقعی مشکل را حل کند، چرا دو تجربه قبلی مذاکره و همین تفاهم‌نامه نتوانست مانع بازگشت فشار و حمله شود؟

کسانی که هنوز تصور می‌کنند واشنگتن در چنین شرایطی ناگهان دست از فشار برمی‌دارد، تحریم‌ها را لغو می‌کند، پول‌های ایران را آزاد می‌سازد و هزینه بازسازی خسارت‌های جنگ را می‌پردازد، باید یک بار دیگر به تجربه حملات آمریکا و سرنوشت توافقی‌ها و تفاهم‌های گذشته نگاه کنند. بنابراین هنر ایران در این مرحله فقط ایستادگی نیست بلکه هنر اصلی، استفاده از این برتری نسبی، بدون تبدیل آن به فرصت نجات برای دشمن است.

یادداشت

پاسخ علی‌الطاهر
را در ابوظبی بدهیدحسین معظمی
روزنامه‌نگار

پس از جنگ شطرنج‌گونه میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، اکنون بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که اتکا به تفاهم‌های سیاسی بدون پشتوانه قدرت، نمی‌تواند ماشین جنگی تل‌آویو و واشنگتن را متوقف کند. تفاهمی که قالیباف و پزشک‌یان به آن برای توقف جنگ، به‌ویژه در لبنان، امید بسته بودند، از سوی ترامپ صراحتاً «کاغذ پاره» خوانده شد. حالا وقت آن است که معادله با زبانی دیگر نوشته شود.

ماشین جنگی اسرائیل در لبنان نه‌تنها متوقف نشده، بلکه همچنان به اشغالگری و تعرض ادامه می‌دهد و براساس ادعاهای مطرح‌شده، حتی بخش‌هایی از تپه راهبردی علی‌الطاهر را نیز به تصرف خود درآورده است. بنابراین پاسخ به این وضعیت باید با طراحی یک بازدارندگی جدید، هزینه استمرار اشغالگری را برای اسرائیل و حامیان منطقه‌ای آن افزایش داد.

در این میان، شاید پاسخ لبنان را بیش از هر جا باید در امارات داد. امارات متحده عربی نمی‌تواند خود را از معادله جنگ کنار بکشد. ابوظبی در میان کشورهای خاورمیانه، حوزه خلیج فارس و حتی جهان عرب، یکی از نزدیک‌ترین روابط رسمی را با اسرائیل برقرار کرده است. این کشور از نخستین دولت‌هایی بود که به طرح موسوم به «صلح ابراهیم» دولت اول ترامپ پیوست و با برقراری روابط دیپلماتیک رسمی و گشایش سفارت، عملاً وارد مدار راهبردی تل‌آویو شد. این نزدیکی صرفاً در سطح دیپلماتی باقی نمانده است. در جریان جنگ تحمیلی سوم، امارات در زمره بازیگران منطقه‌ای قرار گرفت که نقش مهمی در پشتیبانی لجستیکی و مالی از ماشین جنگی آمریکا علیه ایران داشت. حتی برخی گمانه‌زنی‌ها از احتمال نقش مستقیم امارات در حملات علیه جزایر ایرانی و شلیک برخی پرتابه‌ها از خاک این کشور به سوی ایران سخن گفته‌اند؛ ادعاهایی که نمی‌توان آنها را در ارزیابی محیط امنیتی منطقه نادیده گرفت. اگر واشنگتن و تل‌آویو توافق را کاغذ پاره می‌دانند و ارتش اسرائیل همچنان در لبنان پیشروی می‌کند، چرا باید حامیان منطقه‌ای این ماشین جنگی از هزینه اقدامات خود مصون بمانند؟ بازدارندگی زمانی معنا دارد که همه اجزای زنجیره دشمن بدانند مشارکت در فشار و جنگ، بدون پاسخ نخواهد ماند. از این منظر، امارات باید بداند نزدیک شدن به اسرائیل و میزبانی از ظرفیت‌های آمریکایی، هزینه امنیتی دارد. معادله جدید منطقه دیگر با وعده و تفاهم نوشته نمی‌شود؛ با محاسبه هزینه و فایده نوشته خواهد شد.

امارات نباید از خشم ایران در امان بماند. هیچ رابطه مالی یا پیوند سیاسی نباید برای بازیگری که در اقدامات خصمانه علیه ایران نقش ایفا می‌کند، مصونیت ایجاد کند. امارات سرمایه‌گذاری ویژه‌ای بر روی لابی‌های سیاسی و اقتصادی در ایران کرده است که عمدتاً مربوط به جناح اصلاح طلب بوده و از این طریق واز طریق سلطه اصلاح طلبان بر دولت سعی در مصون سازی خود از خشم ایران دارد.

بازدارندگی با
انتظار ساخته
نمی‌شود

مسئله امروز صرفاً پاسخ به یک حمله نیست؛ مسئله تغییر قاعده‌ای است که دشمن سال‌ها براساس آن بازی کرده است. تجربه عین‌الاسد نشان داد مقابله به مثل محدود، الزاماً بازدارندگی ایجاد نمی‌کند. اگر قرار است تهران ابتکار عمل را از محور ترامپ و نتانیاهو پس بگیرد، باید از موضع واکنش خارج شود و با طراحی سناریوهای پیش‌دستانه، زمین بازی را به جایی منتقل کند که دشمن ناچار باشد در زمین ایران تصمیم بگیرد.

آمریکا و اسرائیل سال‌ها زمان و مکان درگیری را تعیین کردند؛ حالا نوبت تغییرزمین بازی است

ابتکار عمل را پس بگیریم

پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی با عنوان «صبر استراتژیک» دنبال شد، نه‌تنها محاسبات واشنگتن را اصلاح نکرد، بلکه به تدریج سطح جسارت دشمن را افزایش داد و هزینه‌های سنگین‌تری بر کشور تحمیل کرد.

نگاهی به الگوی درگیری‌های سال‌های اخیر میان ایران و آمریکا، یک واقعیت تلخ را آشکار می‌کند؛ دشمن هر بار یک گام جلوتر آمده و ایران پس از تحمل ضربه، به پاسخی کنترل‌شده بسنده کرده است. سیاستی که از سال ۱۳۹۸ و

محسن عیوضی
روزنامه‌نگار

مکان حمله توسط دشمن، زمینه بازی را خودش تعریف کند و طرف مقابل را وادار سازد برای مواجهه با سناریوی تهران به تکاپو بیفتد.

در چنین شرایطی، بازدارندگی دیگر با تکرار هشدار و انتظار برای اقدام دشمن ساخته نمی‌شود؛ باید هزینه تصمیم دشمن را پیش از آنکه ماشه را بچکاند، در محاسباتش وارد کرد. ایران اگر ابتکار عمل را در دست بگیرد، می‌تواند معادله‌ای بسازد که در آن آمریکا و رژیم صهیونیستی به جای طراحی حمله علیه ایران، ناچار به محاسبه تبعات اقدامات خود باشند.

نمونه‌نمایی این رویکرد را می‌توان در کنترل و مسدودسازی تگه هرمز در جنگ ۴۰ روزه دید؛ اقدامی که با اتکا به آتش به اختیار عمل کردن و توان نیروی دریایی سپاه، به اذعان ناظران، یکی از مهم‌ترین گره‌های راهبردی برای دشمن ایجاد کرد. راه مقابله با نقشه چند مرحله‌ای و چندوجهی محور نتانیاهو و ترامپ، بازگشت به ابتکار عمل و دکتربین پیش‌دستانه است؛ همان معادله‌ای که شهید عماد مغنیه بر آن تأکید داشت: «جواب خون، خون است؛ نه ساختمان.»

جسارت دشمن و حرکت به سمت طراحی مراحل بعدی فشار و درگیری بود؛ روندی که در روایت مورد اشاره، سرانجام به شهادت رهبر انقلاب در ۹ اسفند ۱۴۰۴ انجامید.

در همان مقطع و شهید سید حسن نصرالله با نگاهی انتقادی نسبت به کوچک شمردن ترور شهید سلیمانی و پاسخ نامتناسب به آن هشدار داد و چنین رویکردی را مقدمه ضربه به محور مقاومت و کشورهای عضو آن و تحمیل خسارت‌های بزرگ‌تر دانست. شهید نصرالله این زمینه اظهار داشت: «اگر موضوع ترور حاج قاسم سهل گرفته شود، این آغاز خطر بزرگی است.» امروز، با گذشت حدود هفت سال از ترور شهید سلیمانی و ۵ سال از این موضع شهید نصرالله آن هشدار بیش از هر زمان دیگری قابل تأمل است؛ زیرا روند تحولات دقیقاً نشان داد که دشمن عقب‌نشینی را از پاسخ محدود برداشت نکرد، بلکه آن را فرصتی برای پیشروی مرحله به مرحله تلقی کرد.

اکنون زمان کنار گذاشتن کامل این سیاست فرا رسیده است و دکتربین پیش‌دستانه باید جایگزین شود؛ یعنی ایران به جای انتظار برای انتخاب زمان و

الگوی درگیری‌های سال‌های اخیر میان ایران و آمریکا نشان می‌دهد محاسبات غلط و تصمیمات نادرست سیاسی، در کنار سیاست «صبر استراتژیک»، به تدریج هزینه‌های سنگینی ایجاد کرده است. از سال ۱۳۹۸ و ترور شهید حاج قاسم سلیمانی، هر بار آمریکا با اسرائیل دست به اقدامی زده‌اند، ایران عمدتاً پس از دریافت ضربه وارد میدان شده و پاسخی کنترل‌شده داده است؛ الگویی که اگرچه برای مدیریت مقطعی بحران طراحی شده بود، اما در عمل نتوانست محاسبات دشمن را تغییر دهد.

عملیات عین‌الاسد در پاسخ به ترور شهید سلیمانی، نقطه‌ای تعیین‌کننده بود. این عملیات نشان داد ایران توان پاسخ مستقیم به آمریکا را دارد، اما در سطح راهبردی نتوانست واشنگتن را به بازنگری در سیاست خود وادار کند. برعکس، دشمن این پیام را دریافت که حتی پس از یک اقدام بزرگ و بی‌سابقه، دامنه پاسخ ایران قابل مدیریت است. نتیجه چنین برداشتی، افزایش تدریجی

سیاست خارجی

حریری: رهبر انقلاب دوبار از قالیباف در خصوص چین پیگیری کردند

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، با اشاره به اهمیت توسعه روابط تهران و پکن گفت: اهمیت موضوع چین برای محمدباقر قالیباف، نماینده ویژه ایران در ارتباط با چین، از آنجا مشخص می‌شود که پس از سامان دادن به مذاکرات با آمریکا و تهیه پیش‌نویس تفاهمنامه، توسعه روابط با چین به یکی از نخستین موضوعات مهم مورد توجه قرار گرفت.

حریری با بیان اینکه قالیباف در کمتر از یک ماه پس از معرفی به عنوان نماینده ویژه ارتباط با چین، دو بار به صورت کتبی درباره برنامه ایران برای توسعه روابط با پکن مورد پیگیری قرار گرفته است، اظهار کرد: این موضوع نشان‌دهنده اهمیت و اولویت روابط با چین در سطح عالی کشور است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین همچنین تأکید کرد که روابط تهران و پکن نباید صرفاً در چارچوب تجارت و الگوی «فروش نفت در برابر دریافت کالا» تعریف شود.

به گفته حریری، ایران و چین باید یک گام فراتر رفته و روابط خود را به سمت همکاری‌های اقتصادی گسترده، راهبردی و بلندمدت سوق دهند؛ مسیری که می‌تواند زمینه‌ساز تقویت مناسبات اقتصادی دو کشور و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های همکاری با پکن باشد.



نوبنیاد

■ **صاحب امتیاز:** محسن منصوری
■ **مدیرمسئول:** حمیدرضا بیانی
■ **تلفن:** ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ **کدپستی:** ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ **آدرس:** خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ **چاپخانه:** صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۲۶

یادداشت

سیاست «بازی» ترامپ

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

سرمايه اجتماعي و فرهنگ عامه، به میدان اصلی نبرد جدید قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. کاخ سفید با راه‌اندازی بخش «آرکاد» (Arcade) در وب‌سایت رسمی خود، گامی فراتر از تبلیغات سیاسی معمولی برداشته است. این نهاد با استفاده از ابزار بازی‌های ویدئویی، به دنبال تغییر عمیق افکار عمومی و مهندسی ذهن مخاطبان است. این اقدام نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ برای تسخیر نسل‌های جدید، به دنبال روش‌هایی هستند که با سبک زندگی آن‌ها سازگار باشد. گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که دولت ترامپ مجموعه‌ای از بازی‌های ساده و مرورگری را به وب‌سایت خود اضافه کرده است. این بازی‌ها مستقیماً به شعارها و سیاست‌های دولت متصل هستند. در این پروژه، سیاست دیگر فقط یک موضوع برای بحث در اخبار نیست، سیاست به خود قوا و مکانیک بازی تبدیل شده است. یعنی بازیکن بدون آن که متوجه شود، در حال تمرین و پذیرش ایدئولوژی‌های حاکم است.

در این مجموعه، بازیکن در بازی «ساخت دیوار»، وظیفه دارد دیوار مرزی را بنا کند تا از ورود افراد جلوگیری نماید. در واقع وظیفه بازیکن در این بخش این است که سیاست‌های ضد مهاجر ترامپ را دنبال کند. در بازی دیگری با عنوان «ریو ران»، کاربرد نقش نیروهای مرزبانی، مهاجران را از منطقه خارج می‌کند. در بازی «پس انداز ترامپ»، هدف اصلی جمع‌آوری پول و طلا برای پرکردن حساب‌های ترامپ است. حتی بازی‌های ساده‌ای مثل «فلای بیل» نیز با هدف ایجاد جذابیت بصری و سرگرمی طراحی شده‌اند تا مخاطب را در محیط این سیاست‌ها نگه دارند.

این اقدام نشان می‌دهد که قدرت‌های جهانی دریافته‌اند برای تسخیر ذهن نسل‌های جدید، باید ارزش‌های سیاسی را در قالب لذت و سرگرمی ارائه دهند. در این مدل، سیاست‌های اقتصادی، کنترل

مرزها و مدیریت منابع، به مأموریت‌هایی تبدیل شده‌اند که کاربرد برای برنده شدن در بازی، ناچار است آن‌ها را به عنوان راهکار درست و تنها مسیر پیروزی انجام دهد. این یعنی پذیرش سیاست، از طریق لذت بردن از بازی صورت می‌گیرد.

این رویکرد، نمونه‌ای از مهندسی اجتماعی از طریق فرهنگ عامه است. کاخ سفید با این کار، سیاست‌های سخت‌گیرانه خود را به تجربه‌ای جذاب و بی‌خطر برای مردم تبدیل می‌کند. هدف نهایی این است که مقاومت در برابر این ایدئولوژی‌ها در لایه‌های زیرین ذهن مخاطب کاهش یابد. جنگ برای کنترل جهان و تسلط بر اراده‌ها، اکنون از میدان‌های سخنرانی و بحث‌های سیاسی به صفحه نمایش گوشی‌ها و کامپیوترهای خانگی نفوذ کرده است. این یک نبرد تمام‌عیار در حوزه نرم است که در آن، برنده بازی، همان کسی است که قواعد بازی را تعیین کرده است.

ادبیات کودک ایران هنوز نتوانسته روایت ماندگاری از روزهای جنگ بسازد

کودکان جنگ کجای کتاب‌های کودک‌اند؟

تولیدات ادبی و داستانی ما تا این اندازه محدود است؟ البته آثاری تولید شده و حتی کانون پرورش فکری در برخی استان‌ها از تولید صدها اثر خبر داده است، اما مسئله نسبت میان ابعاد یک جنگ و حجم روایت ادبی آن است. در غرب، جنگ جهانی دوم، کره و ویتنام سال‌هاست به انبوهی از آثار کودک و نوجوان تبدیل شده‌اند؛ چرا جنگ امروز ایران هنوز چنین حضوری ندارد؟



حرف‌های فراوانی زده‌اند، اما وقتی پای یک جنگ واقعی به میان آمده، خروجی داستانی و ادبی متناسب با ابعاد مسئله چندان دیده نمی‌شود.

بله، کتاب‌هایی مانند «دختر جنگ» درباره کودکان غزه منتشر شده و در مراکز فرهنگی نیز آثاری تولید شده است. کانون پرورش فکری گیلان حتی اعلام کرده در جریان جنگ رمضان تا دهم فروردین، ۹۹۳ اثر فرهنگی، هنری و ادبی توسط مربیان، کارشناسان و اعضای مراکز خود تولید شده است. اما سؤال همچنان باقی است: چند اثر از این میان قرار است به یک اثر ادبی ماندگار تبدیل شود که کودک ایرانی سال‌ها بعد آن را بخواند و بفهمد در سال جنگ چه بر سر هم‌نسلانش آمده است؟

کانون؛ به جای حاشیه، برگرد به مأموریت اصلی
اینجاست که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باید بیش از همه پاسخگو باشد. نهادی که اساساً برای پرورش فکری کودک ساخته شده، در چنین بزنگاهی باید سراغ کتاب، قصه، شعر، تصویرگری و روایت برود؛ نه اینکه انرژی خود را در حاشیه‌های فرهنگی و سینمایی پراکنده کند. مسئله این نیست که کانون نباید با سینما و فیلمسازان ارتباط داشته باشد؛ مسئله این است که وقتی کودک ایرانی با تجربه‌ای تاریخی مواجه شده، اولویت ذاتی کانون باید خود کودک باشد. اگر قرار است از وطن دوستی حرف بزنیم، وطن دوستی در چنین روزهایی باید خودش را در تولید فرهنگی نشان دهد، نه فقط در بیانیه و نشست.

ادبیات کودک؛ امتحان بزرگ فعالان این حوزه
در نهایت پرسش چندان پیچیده نیست. اگر نویسنده، شاعر، تصویرگر و ناشر ادبیات کودک مدعی است که دغدغه کودک ایرانی را دارد، جنگ دقیقاً همان جایی است که باید این ادعا را ثابت کند. کودکی که صدای انفجار را شنیده، کودکی که خانه‌اش را از دست داده، کودکی که پدر یا مادرش را از دست داده و کودکی که ماه‌ها با اضطراب جنگ زندگی کرده، به ادبیاتی نیاز دارد که تجربه او را بفهمد و ثبت کند. فردا شاید درباره تعداد موشک‌ها، عملیات‌ها و خسارت‌ها هزاران صفحه نوشته شود؛ اما اگر امروز کسی برای کودک ایرانی قصه این روزها را ننویسد، یک بخش مهم از حافظه این نسل برای همیشه خالی خواهد ماند. ادبیات کودک اگر در روز جنگ کنار کودک نباشد، دقیقاً در چه روزی قرار است به وظیفه خودش عمل کند؟

ادبیات کودک فقط مجموعه‌ای از قصه‌های شیرین برای سرگرم کردن بچه‌ها نیست؛ در دوره جنگ، ادبیات یکی از مهم‌ترین ابزارهای یک ملت برای ثبت حافظه تاریخی و توضیح جهان به کودکان است. حالا که آمریکا و اسرائیل مستقیماً ایران را هدف قرار داده‌اند و کودکان ایرانی نیز بخشی از قربانیان این جنگ بوده‌اند، یک سؤال ساده از فعالان ادبیات کودک وجود دارد؛ چرا سهم این جنگ در

سعيد مصباح
روزنامه‌نگار

جنگ جهانی دوم؛ وقتی جنگ وارد کتاب کودک شد
برای فهم ماجرا کافی است به غرب نگاه کنیم. جنگ جهانی دوم نه فقط وارد ادبیات بزرگسالان، بلکه به یکی از موضوعات ماندگار ادبیات کودک و نوجوان تبدیل شد؛ از بمباران و تخلیه کودکان تا هولوکاست، مقاومت، آوارگی و زندگی در شهرهای جنگ‌زده. حتی امروز یک فهرست تخصصی، ۸۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان را فقط درباره موضوعات مختلف جنگ جهانی دوم معرفی می‌کند. پژوهش‌های ادبی نیز نشان می‌دهند تعداد کتاب‌های کودک با موضوع جنگ جهانی دوم از اواخر دهه ۱۹۵۰ افزایش پیدا کرد و در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به شکل محسوسی گسترش یافت.

جنگ ویتنام؛ حتی شکست آمریکا هم روایت شد
ماجرای جنگ جهانی دوم نیست. جنگ ویتنام نیز دهه‌هاست در ادبیات کودک و نوجوان آمریکا و غرب بازخوانی می‌شود؛ از کودکان ویتنامی و پناهندگان تا سربازان آمریکایی و اعتراضات ضد جنگ. امروز حتی منابع آموزشی آمریکا مجموعه‌هایی از کتاب‌های کودک و نوجوان درباره جنگ ویتنام معرفی می‌کنند و آثاری مانند «پوتین‌ها روی زمین» مستقیماً جنگ آمریکا در ویتنام را برای مخاطب نوجوان روایت کرده‌اند. نکته جالب اینجاست که در بخشی از این ادبیات، حتی شکست‌ها و خطاهای خود آمریکا نیز موضوع روایت قرار گرفته است.

جنگ کره؛ روایت حتی وقتی کم‌تعداد است
در مورد جنگ کره نیز پژوهش‌های دانشگاهی مشخصاً به سراغ کتاب‌های کودک آمریکایی رفته‌اند. یک پژوهش تاریخی هفت کتاب کودک آمریکایی درباره جنگ کره را بررسی کرده و نشان داده است که جنگ، قهرمانی، رنج و تصویر دشمن چگونه وارد ادبیات کودک شده‌اند. یعنی حتی در جنگی که نسبت به جنگ جهانی دوم و ویتنام سهم بسیار کوچک‌تری در حافظه عمومی آمریکا دارد، ادبیات کودک آن را رها نکرده است.

پس ادبیات کودک ایران کجاست؟
حالا برگردیم به ایران. ماجرای عجیب اینجاست که فعالان حوزه کودک در سال‌های گذشته درباره حقوق کودک، صلح، خشونت و بحران‌های اجتماعی

یادداشت

حسن روحانی و دوستان می‌خواهند صداوسیما را ببلعند

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

حسن روحانی به‌تازگی در اظهارنظری گفته است که صداوسیما نباید در دست یک گروه اقلیت باشد تا آن‌ها برای سرگرمی مردم تصمیم بگیرند (نقل به مضمون). ما با اینکه او یک دولت در سایه درست کرده و منوایش از طریق رسانه‌های چپ و راست وفاق در گوش و چشم مخاطب فرو می‌رود کاری نداریم. از تلاش‌های بی‌پایان رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در مورد از اسب و اصل انداختن رسانه ملی در تمام این سال‌ها هم عبور می‌کنیم، اما اجازه دهید خطاب به روحانی و اذنازش بگوییم که او و هم‌فکرانش آخرین کسانی هستند که می‌توانند در مورد چند و چون و کمیت و کیفیت تولیدات و شیوه پخش محتوای ریز و درشت صداوسیما انتقاد کنند.

رئیس سازمان صداوسیما را رهبر معظم انقلاب تعیین می‌کند و سازوکار نظارت بر رفتار سازمان هم ارتباطی با افرادی چون روحانی و حتی بزرگ‌تر از او ندارد، اما باید پرسید که چرا دولت پنهان از تمام امکانات لجستیکی‌اش برای تغییر ریاست سازمان بهره می‌برد و در این مسیر هیچ اهمیتی برای مسئله اخلاق و شرایط حساس کشور قائل نیست؟ حسن روحانی نماد جریان است که تنها نوک کوه یخ آن قابل رویت و مشاهده است.

آن‌ها تقریباً تمام رسانه‌های ریز و درشت را به خدمت او آخر خویش درآورده‌اند و می‌خواهند صداوسیما را هم به عنوان تجلی نگاه ولی فقیه به امر فرهنگ رسمی ببلعند، و الا همه ما به خوبی می‌دانیم که رسانه ملی با وجود تمام نقص‌ها و نقدهایی که به عملکرد مسئولان و برنامه‌سازان آن وارد است کمترین سهم را در نیل به غربگرایی خواص دارد. مضاف بر این، در تولید برنامه‌های گوناگون، سوای کیفیت بالا یا پائین آن‌ها امر ملی را هم دخیل می‌کند، رویکردی که هیچ نسبیتی با تولیدات مسموم پلتفرمی ندارد و رسانه ملی را در مرتبه رفیع‌تری از رقبای کوتاه‌قدش قرار می‌دهد.

اگر مسئله روحانی و دوستان نتوا اصولگرا، اصلاح‌طلب و اعتدالی او ضعف برنامه‌سازی و نبود چهره‌های در تلویزیون است، کافی ست نگاهی به شیوه و شکل توسعه رسانه در این سال‌ها بیندازد، که ورود شبکه نمایش خانگی به حوزه تولید با استفاده از سرمایه‌های ناتمام و حتی مشکوک چه بلایی سر اقتصاد سیاسی سرگرمی و کیفیت تولیدات صداوسیما آورده است، به‌طوریکه وضعیت با رفت و آمد مدیران به ساختمان شیشه‌ای تغییر چندانی نخواهد کرد. بنابراین، دلیل اصلی هجمه‌ها علیه صداوسیمای جبلی را باید در امور سیاسی و حزبی جست‌وجو کرد، زیرا می‌دانیم روحانی و دوستانش از سردلسوزی این حرف‌ها ر بیان نمی‌کنند.

«گیرنده» و «دریا و ماهی پرند» را در کارنامه دارد. محسن علی‌اکبری نیز سابقه تهیه آثاری چون «مریم مقدس»، «مردان آنجلس» و «خاطرات مرد ناتمام» را دارد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، تصویربرداری از اواسط مهرماه ۱۴۰۵ در ترکیه آغاز خواهد شد و گروه بازیگران ترکیبی از هنرمندان ایرانی و ترک خواهد بود. این اثر علاوه بر پخش از شبکه‌های معاونت برون‌مرزی و سیمای رسانه ملی، برای پخش تلویزیونی در ترکیه نیز برنامه‌ریزی شده است.

داستان سریال بر پایه اسنادهای تاریخی، به فلسطین در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ بازمی‌گردد و دوره خروج نیروهای بریتانیا و تحولات منتهی به جایگزینی جمعیت یهودی در منطقه را روایت می‌کند. تاکنون جزئیات رسمی درباره بازیگران، عوامل ترک، شبکه پخش‌کننده ترکیه، بودجه و زمان دقیق پخش اعلام نشده است.



تولید «شکوفه‌های زیتون» به‌عنوان نخستین اثر نمایشی مشترک معاونت برون‌مرزی صداوسیما و ترکیه وارد مرحله اجرا شده است. این مینی‌سریال تاریخی در هشت قسمت و با مشارکت برابر ۵۰ درصدی ایران و ترکیه ساخته می‌شود. تهیه‌کنندگی پروژه بر عهده محسن علی‌اکبری و کارگردانی آن بر عهده مهرداد غفارزاده است. غفارزاده آثاری همچون

صداوسیما با همکاری ترکیه درباره فلسطین سریال می‌سازد